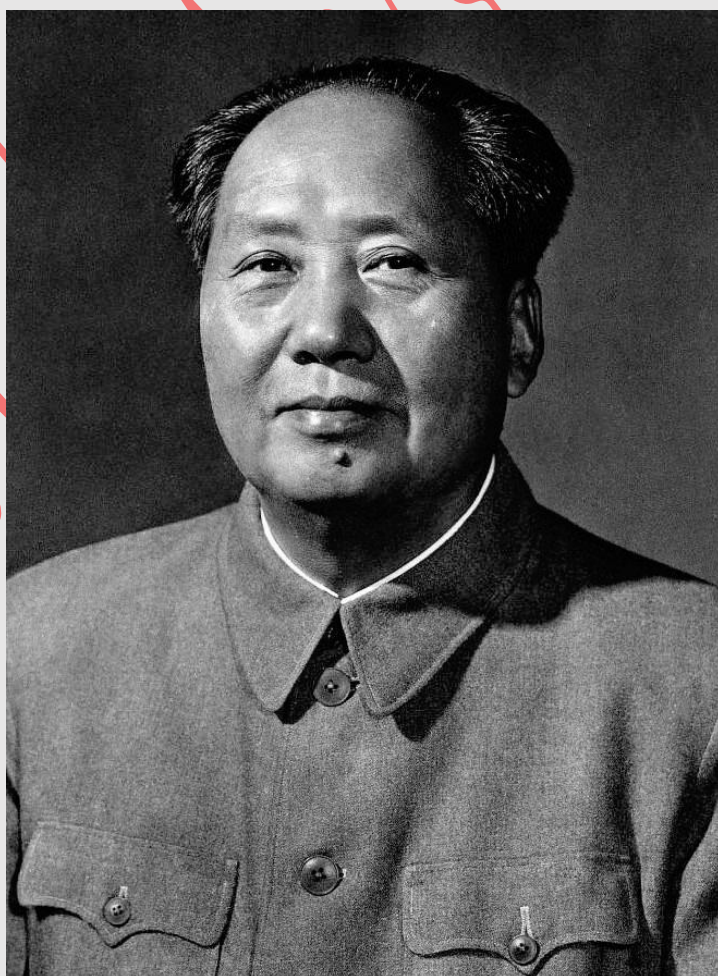


مائو تسه تونگ

درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

(۱)

(دسامبر ۱۹۲۹)



از آثار منتخب مائو تسه تونگ جلد اول

این کتاب در دسترس نیست

مائو تسه تونگ: درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

در سازمان حزبی سپاه چهارم ارتش سرخ نظرات غیرپرولتاریائی گوناگونی وجود دارند که در راه اجرای مشی صحیح حزب موانع بزرگی ایجاد می‌کنند. سپاه چهارم بدون اصلاح کامل این نظرات قطعاً قادر نخواهد بود وظایفی را که مبارزه کبیر انقلابی چین بر عهده اش گذارده است، انجام دهد. بدیهی است که سرچشمه پیدایش اینگونه نظرات نادرست در سازمان حزبی سپاه چهارم از آنجاست که ترکیب اساسی این سازمان حزبی به طور عمده از دهقانان و سایر عناصر دارای منشاء خرده‌بورژوائی تشکیل می‌گردد؛ ولی یکی از علل مهم وجود و رشد چنین نظرات نادرستی این است که ارگانهای رهبری حزب علیه اینگونه نظرات نادرست مشترکاً و مصممانه مبارزه نکرده‌اند و اعضای حزب را به اندازه کافی با روح مشی صحیح حزب پرورش نداده‌اند. این کنگره طبق روح نامه سپتامبر کمیته مرکزی تظاهر، سرچشمه و طرق اصلاح انواع نظرات غیرپرولتاریائی را در سازمان حزبی سپاه چهارم نشان می‌دهد و رفقا را به ریشه‌کن کردن کامل این نظرات دعوت می‌کند.

درباره روحیه نظامیگری

روحیه نظامیگری بین عده‌ای از رفقا در ارتش سرخ به طور وسیع شیوع یافته است. اشکال تظاهر این روحیه بدینگونه است:

(۱) این رفقا کار نظامی را مغایر کار سیاسی می‌دانند و نمی‌خواهند قبول کنند که کار نظامی فقط وسیله‌ای برای اجرای وظایف سیاسی است. بعضی‌ها حتی ادعا می‌کنند که "هر گاه کارهای نظامی خوب انجام بگیرند، کارهای سیاسی نیز بالطبع خوب جریان خواهند یافت؛ هر گاه کارهای نظامی درست انجام نگیرند، کارهای سیاسی هم نمی‌توانند خوب انجام بگیرند؛" این به معنای آن است که قدمی فرا تر نهاده شود و به امور نظامی نسبت به کارهای سیاسی نقش رهبری کننده داده شود.

(۲) این رفقا گمان می‌کنند که گویا وظایف ارتش سرخ با وظایف ارتش سفید یکسان است و آن هم تنها جنگیدن می‌باشد. آنها درک نمی‌کنند که ارتش سرخ چین سازمان مسلحی است که وظایف سیاسی انقلاب را انجام می‌دهد. ارتش سرخ به ویژه در حال حاضر به هیچ وجه نباید کار خود را به جنگیدن محدود سازد. ارتش سرخ علاوه بر عملیات جنگی جهت نابودی نیروهای نظامی دشمن، وظایف مهم دیگری نیز بر عهده دارد که عبارتند از: تبلیغ کردن بین توده‌ها، سازمان دادن توده‌ها، مسلح کردن توده‌ها، کمک نمودن به توده‌ها برای ایجاد قدرت سیاسی انقلابی تشکیل سازمانهای حزب کمونیست. ارتش سرخ صرفاً به خاطر جنگیدن نمی‌جنگد، بلکه به منظور تبلیغ کردن بین توده‌ها، سازمان دادن توده‌ها، مسلح کردن توده‌ها و کمک نمودن به توده‌ها برای ایجاد قدرت سیاسی انقلابی می‌جنگد. بدون این هدفها، جنگ مفهوم خود را از دست می‌دهد و علت موجودیت ارتش سرخ نیز از بین می‌رود.

(۳) بدین‌جهت این رفقا از نظر سازمانی ارگانهای سیاسی ارتش سرخ را تابع ارگانهای نظامی می‌کنند و شعار "بگذار ستاد فرماندهی به امور خارج از ارتش رسیدگی کند" را مطرح می‌نمایند. رشد آتی اینگونه افکار خطر جدا شدن از توده‌ها، استقرار کنترل ارتش بر ارگانهای دولتی و سرپیچی از پذیرش رهبری پرولتاریا را دربر دارد و این به مثابه در غلطیدن به همان راه میلیتاریستی ارتش گومیندان خواهد بود.

(۴) این رفقا در عین حال اهمیت گروههای مبلغ در کار تبلیغاتی را نادیده می‌گیرند و در مورد تشکل توده‌ها به امر ایجاد کمیته‌های سربازی در ارتش و سازماندهی توده‌های کارگران و دهقانان محلی کم بها می‌دهند و در نتیجه کار تبلیغاتی و تشکیلاتی کنار گذاشته می‌شود.

(۵) آنها به هنگام پیروزی مغرور می‌شوند و به هنگام شکست افسرده و دلسرد.

مائو تسه تونگ: درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

۶) تعصب قسمتی. آنها فقط به سپاه چهارم می اندیشند ولی درک نمی کنند که یکی از مهم ترین وظایف ارتش سرخ مسلح کردن توده های محلی است. این همان روحیه گروه پرستی است منتها به مقیاس بزرگتر.

۷) عده قلیلی از رفقا که خود را در چهارچوب تنگ سپاه چهارم محصور کرده اند، چنین می پندارند که گویا غیر از سپاه چهارم هیچ نیروی انقلابی دیگری وجود ندارد. از همینجاست که تمایل فوق العاده شدید به حفظ نیروی خود و اجتناب از عملیات جنگی ناشی می شود. این از بقایای اپورتونیسم است.

۸) برخی از رفقا که شرایط ذهنی و عینی را مورد توجه قرار نمی دهند، دچار بیماری انقلابیگری می شوند؛ آنها به کار پُرحمت و دقیق بین توده ها رغبتی نشان نمی دهند بلکه تنها آرزوی قهرمانیهای بزرگ را در سر می پروراند و در بحر تصورات و خیالات خود غوطه ور می گردند. این از بقایای پوچیسیم است. (۲)

علل پیدایش روحیه نظامیگری:

۱) سطح نازل آگاهی سیاسی. از اینجاست که عدم درک نقش رهبری سیاسی در ارتش و عدم تشخیص تفاوت اساسی بین ارتش سرخ و ارتش سفید ناشی می شود.

۲) روحیه خاص ارتشهای مزدور. از آنجا که پس از هر پیکار تعداد کثیری اسرای جنگی به ارتش سرخ وارد می شوند و این عناصر نظرات و روحیه شدید ارتش مزدور را با خود می آورند، لذا در صفوف پایین تر اساس پیدایش روحیه نظامیگری گذارده می شود.

۳) از این دو، علت سومی ناشی می شود که عبارتست از اعتماد بیش از حد به نیروی نظامی و عدم اعتماد به نیروی توده های مردم.

۴) یکی دیگر از علل بروز روحیه نظامیگری در بعضی از رفقا عدم توجه جدی حزب به امور نظامی و عدم بررسی این امور است.

طرق اصلاح:

۱) باید سطح آگاهی سیاسی را در حزب از طریق آموزش ارتقاء داد، پایه های تئوریک روحیه نظامیگری را فرو ریخت و تفاوت اساسی میان ارتش سرخ و ارتش سفید را به طور دقیق تشخیص داد. در عین حال باید بقایای اپورتونیسم و پوچیسیم را ریشه کن کرد و تعصب قسمتی را در سپاه چهارم از میان برداشت.

۲) باید کار تربیت سیاسی افسران و سربازان و به خصوص اسرای جنگی سابق را تقویت نمود. در عین حال ارگانهای دولتی محلی باید تا حد امکان کارگران و دهقانانی را که در مبارزه کارآزموده شده اند، انتخاب کنند و به صفوف ارتش سرخ اعزام دارند تا بدین ترتیب روحیه نظامیگری از لحاظ سازمانی تضعیف و سرانجام به کلی محو گردد.

۳) باید سازمانهای محلی حزب را به انتقاد از سازمانهای حزبی ارتش سرخ و همچنین ارگانهای دولتی توده ای را به انتقاد از ارتش سرخ برانگیخت تا از این طریق بتوان بر سازمانهای حزبی افسران و سربازان ارتش سرخ تأثیر گذاشت.

مائو تسه تونگ: درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

۴) حزب باید امور نظامی را به طور جدی مورد توجه و بررسی قرار دهد. هر کاری که توده‌ها می‌کنند، باید قبلاً در حزب مورد بررسی قرار گیرد و درباره آن تصمیم گرفته شود.

۵) باید آئین نامه ارتش سرخ را تدوین کرد و در آن به طور دقیق وظایف ارتش سرخ، مناسبات بین دستگاه‌های نظامی و سیاسی، مناسبات بین ارتش سرخ و توده‌های مردم، حدود اختیارات کمیته‌های سربازی و همچنین مناسبات آنها را با ارگان‌های نظامی سیاسی مشخص نمود.

درباره دموکراسی افراطی

از زمانیکه سپاه چهارم ارتش سرخ دستورات کمیته مرکزی را پذیرفت، مظاهر دموکراسی افراطی به مراتب کمتر به چشم خورد. فی‌المثل قرارهای حزب نسبتاً بهتر اجرا شدند و دیگر هیچ کس درخواست‌های بیجائی مانند اینکه در ارتش سرخ باید "سانترالیزم دموکراتیک از پائین به بالا" اجرا شود و یا اینکه "همه مسائل باید ابتدا در پائین مورد بحث قرار گیرند و سپس در بالا تصمیم گرفته شود" مطرح نکرد. ولی در واقع این کمتر شدن فقط جنبه موقتی و سطحی دارد و به هیچ وجه به معنی ریشه‌کن شدن آن نیست. به عبارت دیگر دموکراسی افراطی در مغز بسیاری از رفقا عمیقاً ریشه دوانده است. دلیل این مدعا بی رغبتی در اجرای تصمیمات حزب است که به اشکال مختلف تظاهر می‌کند.

طرق اصلاح

۱) ریشه دموکراسی افراطی را باید در حوزه تئوری برکند. قبل از هر چیز باید به این خطر اشاره نمود که دموکراسی افراطی موجب اختلال در سازمان‌های حزبی و حتی تلاشی کامل آنها می‌گردد، نیروی رزمنده حزب را تضعیف و یا حتی آن را کاملاً نابود می‌کند، حزب را از انجام وظایف مبارزاتی خود باز می‌دارد و در نتیجه انقلاب را به شکست می‌کشاند. علاوه بر این، باید خاطرنشان ساخت که دموکراسی افراطی از بی‌زاری اندیویدوآلیستی خرده‌بورژوازی نسبت به انضباط سرچشمه می‌گیرد. وقتی که چنین پدیده‌ای در حزب ظاهر شود، از نظر سیاسی و تشکیلاتی به صورت افکار دموکراتیک افراطی درمی‌آید. این افکار با وظایف مبارزاتی پرولتاریا به هیچ وجه سازگار نیستند.

۲) در قلمرو تشکیلات، باید اصول زندگی دموکراتیک را تحت هدایت مرکزیت دقیقاً اجرا کرد. طرق اجرای این اصول چنین‌اند:

الف: ارگان‌های رهبری حزب باید برای رهبری مشی صحیحی اتخاذ کنند و وقتی مسئله‌ای پدید می‌آید، راه حل آن را بیابند تا بتوانند خود را به مثابه مرکز رهبری کننده عرضه بدارند.

ب: ارگان‌های بالاتر باید با چگونگی وضع ارگان‌های پائین‌تر و زندگی توده‌ها آشنائی بیابند تا بتوانند برای رهبری صحیح خود پایه‌ای عینی فراهم سازند.

ج: ارگان‌های حزبی در مدارج مختلف نباید در حل مسائل بدون تعمق تصمیمی اتخاذ کنند؛ ولی وقتی که تصمیمی گرفته شد، باید به طور قطع به موقع اجرا گذاشته شود.

مائو تسه تونگ: درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

د: کلیه تصمیمات مهم ارگانهای بالاتر حزب باید فوراً به ارگانهای پائین‌تر و کلیه اعضای حزب اطلاع داده شود. طریقه عمل این است که جلسات فعالین و یا جلسات عمومی حوزه‌های و یا حتی جلسات عمومی سازمان حزبی ستونها (۳) (اگر شرایط اجازه دهد) فراخوانده شوند و کسی اعزام گردد تا در این جلسات صحبت کند.

ه: ارگانهای پائین‌تر حزب و کلیه اعضای حزب باید دستورات ارگانهای بالاتر را دقیقاً مورد بررسی قرار دهند تا مضمون این دستورات را کاملاً درک کنند و بتوانند شیوه‌های اجرای آنها را تعیین نمایند.

درباره نظرات غیرتشکیلاتی

نظرات غیرتشکیلاتی در سازمان حزبی سپاه چهارم به اشکال زیرین تظاهر می‌کند:

اولاً: عدم تبعیت اقلیت از اکثریت. مثلاً، هنگامیکه پیشنهاد اقلیت رد می‌شود، آنها تصمیم سازمانی حزبی را صادقانه اجرا نمی‌کنند.

طرق اصلاح

(۱) در جلسات باید سعی شود که کلیه شرکت‌کنندگان حتی‌الامکان نظرات خود را بیان دارند و همچنین حق و باطل در کلیه مسایل مورد اختلاف روشن گردد و به هیچ وجه نباید به سازش و سنبل کردن مسایل مورد اختلاف تن داده شود. اگر مسئله‌ای در یک نشست حل نشد، باید بار دیگر آنرا به بحث گذاشت (مشروط به اینکه مانع کار نشود) تا نتیجه قطعی و روشنی به دست آید.

(۲) یکی از مبانی انضباط حزبی تبعیت اقلیت از اکثریت است. اقلیت چنانچه نظرش رد شود، موظف است که از تصمیم اکثریت پشتیبانی کند. اقلیت در صورت لزوم می‌تواند مسئله را برای بحث مجدداً در جلسه مطرح سازد، ولی به هیچ وجه مجاز نیست عملی که مغایر تصمیمات اکثریت باشد، انجام دهد.

ثانیاً: انتقاد غیرتشکیلاتی

(۱) انتقاد درون حزبی سلاحی است که به امر استحکام تشکیلات حزب و تقویت نیروی رزمنده آن کمک می‌کند. ولی انتقاد در سازمان حزبی ارتش سرخ همیشه اینطور نبوده بلکه بعضی مواقع به حملات شخصی تبدیل شده است. در نتیجه، این امر نه تنها به افراد، بلکه به سازمانهای حزبی نیز صدمه می‌زند. این یکی از مظاهر اندیویدوآلیسم خرده‌بورژوازی است. طریق اصلاح این پدیده ناسالم این است که به اعضای حزب بفهمانیم که منظور از انتقاد ارتقاء نیروی رزمنده حزب جهت نیل به پیروزی در مبارزه طبقاتی است و از انتقاد نباید بمتابه سلاحی برای حملات شخصی سوءاستفاده کرد.

(۲) بسیاری از اعضای حزب در خارج از حزب به انتقاد می‌پردازند، نه در داخل حزب. علت آن است که اعضای ساده حزب هنوز اهمیت سازمان حزبی (جلسات حزبی و غیره) را درک نکرده‌اند و تصور می‌کنند که انتقاد درون سازمانی با انتقاد برون سازمانی فرقی نمی‌کند. راه اصلاح آن است که اعضای حزب را چنان تربیت کنیم تا به

مائو تسه تونگ: درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

اهمیت سازمان حزبی پی ببرند و دریابند که هر انتقادی نسبت به کمیته حزبی و یا به رفقا باید در جلسات حزبی انجام گیرد.

درباره تساوی‌گری مطلق

زمانی تساوی‌گری مطلق در ارتش سرخ به طور جدی شیوع پیدا کرده بود. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم: هنگام پرداخت مواجب سربازان زخمی، بعضی‌ها مخالفت می‌کردند که بین مجروحین خفیف و مجروحین سخت فرقی گذاشته شود و می‌خواستند که مواجب همگی یکسان باشد. هنگامی که اسبی در اختیار افسری گذاشته می‌شد، بعضی‌ها در نظر نمی‌گرفتند که این اسب برای کار او ضروری است بلکه آنرا یکی از اشکال عدم تساوی می‌شمردند. هنگام توزیع وسایل زندگی نیز تساوی مطلق مطالبه می‌شد و با این روش که در موارد خاص به عده‌ای قدری بیشتر داده شود، مخالفت می‌گردید. هنگام حمل برنج خواسته می‌شد که همه - بدون توجه به سن و وضع جسمانی - به طور مساوی حمل کنند. به هنگام منزل کردن مطالبه می‌شد که به همه به طور یکسان جا داده شود و وقتی ستاد فرماندهی بنای بزرگتری را برمی داشت، ناسزاگوئی آغاز می‌شد. در مورد بیگاری نیز تساوی طلب می‌شد و کسی که به او وظایف بیشتری محول می‌گردید، از انجام آن سر باز می‌زد؛ حتی بعضی اوقات کار به جایی می‌رسید که وقتی برای دو مجروح فقط یک برانکار در دست بود، هیچ‌یک از آنها حمل نمی‌شد زیرا هر یک خواستار حق تقدم بر دیگری بود. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که تساوی‌گری مطلق هنوز بین افسران و سربازان ارتش سرخ به طور جدی به چشم می‌خورد. تساوی‌گری مطلق مانند دموکراسی افراطی در امور سیاسی محصول اقتصاد پیشه‌وری و خرده‌دهقانی است، منتها فرق بین این دو پدیده در آن است که یکی در زندگی سیاسی بروز می‌کند و دیگری در زندگی مادی.

طریق اصلاح:

باید خاطر نشان ساخت که تساوی‌گری مطلق در دورانی که سرمایه‌داری هنوز نابود نشده است، به جز یک تصور واهی دهقانی و خرده‌بورژوائی چیز دیگری نیست و حتی در جامعه سوسیالیستی نیز تساوی مطلق نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا در آن موقع نعم مادی طبق اصل "از هر کس به قدر استعدادش و به هر کس به قدر کارش" و طبق مقتضیات کار توزیع می‌شوند. نعم مادی باید بین ابوابجمع ارتش سرخ به طور کلی یکسان تقسیم گردد مثلاً پرداخت حقوق مساوی به افسران و سربازان، زیرا شرایط کنونی مبارزه آنها ایجاب می‌کند. ولی باید با تساوی‌گری مطلق غیرموجه مبارزه کرد زیرا این پاسخگوی نیازمندیهای مبارزه نیست، بلکه به عکس مانع آنست.

درباره سوبژکتیویسم

برخی از اعضای حزب به شدت گرفتار سوبژکتیویسم‌اند. این امر در تحلیل اوضاع سیاسی و هدایت امور مانع بزرگی ایجاد می‌کند، زیرا که تحلیل سوبژکتیویستی اوضاع سیاسی و هدایت امور ناگزیر یا به اپورتونیسم و یا به

مائو تسه تونگ: درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

پوچیسیم سوبژکتیویستی منجر می‌گردد. انتقاد سوبژکتیویستی در حزب، پُرگوئی‌های بی‌اساس و یا سوء ظن نسبت به یکدیگر غالباً به منازعات غیراصولی و از هم پاشیدگی سازمان حزبی میانجامد.

نکته دیگری که باید در رابطه با انتقاد درون حزبی خاطرنشان گردد، این است که بعضی از رفقا در انتقادات خود مسایل اصلی را نادیده می‌گیرند و توجه خود را فقط به مسایل فرعی محدود می‌سازند. آنها درک نمی‌کنند که وظیفه عمده انتقاد نشان دادن اشتباهات سیاسی و تشکیلاتی است. اما نواقص شخصی در صورتی که به اشتباهات سیاسی و سازمانی مربوط نباشند، برای آنکه خاطر رفقا پریشان نگردد، نباید زیاد مورد ایراد قرار گیرند. وانگهی چنانچه دامنه چنین انتقاداتی بسط یابد، ممکن است که توجه اعضای حزب فقط روی نواقص کوچک متمرکز شود، همه به افراد محتاط و جبون بدل گردند و وظایف سیاسی حزب به دست فراموشی سپرده شود؛ این واقعاً خطر بزرگی است.

طریق اصلاح

- به طور عمده عبارت از این است که اعضای حزب به نحوی تربیت شوند که افکار آنها و زندگی حزبی از روح سیاسی علمی آکنده شود. برای نیل به این هدف ما باید
- (۱) به اعضای حزب پیاموزیم که در تحلیل اوضاع سیاسی و در ارزیابی نیروهای طبقاتی به عوض اینکه به تحلیل و ارزیابی سوبژکتیویستی متوسل شوند، شیوه مارکسیستی-لنینیستی را به کار بندند.
 - (۲) باید توجه اعضای حزب را به تحقیق و بررسی شرایط اجتماعی - اقتصادی جلب نمائیم تا بدین وسیله بتوانند تاکتیک مبارزه و شیوه کار خود را معین سازند و همچنین باید به رفقا در فهم این مطلب کمک کنیم که بدون تحقیق و بررسی واقعیت موجود در گودال تصورات واهی و پوچیسیم سرنگون خواهند شد.
 - (۳) در انتقاد درون حزبی باید از سوبژکتیویسم و قضاوت‌های اختیاری و انتقادات مبتذل پرهیز کرد؛ اظهارات بایستی مستند و انتقاد باید جنبه سیاسی داشته باشد.

درباره اندیویدوالیسم

گرایشهای اندیویدوالیستی در سازمانهای حزبی ارتش سرخ به اشکال زیرین تظاهر می‌یابند:

- (۱) انتقام‌جوئی. بعضی از رفقا که در داخل حزب از طرف یک رفیق سرباز مورد انتقاد قرار می‌گیرند، در خارج از حزب دنبال موقعیتی می‌گردند که از او انتقام بگیرند؛ ناسزاگوئی و کتک‌کاری یکی از طرق انتقام‌جوئی است. این اشخاص در درون حزب هم قصد انتقام‌جوئی دارند: "تو چون در این جلسه از من انتقاد کردی، من در جلسه آینده یقه‌ات را می‌چسبم و تلافی درمی‌آورم." اینگونه انتقام‌جوئی تنها زائیده بینش اندیویدوالیستی است و منافع طبقاتی و حزب را اصلاً در نظر نمی‌گیرد. هدف آن طبقات متخاصم نیست بلکه بعضی از رفقای صفوف خود می‌باشد. اینگونه انتقام‌جوئی همچون خوره‌ایست که سازمان را می‌خورد و نیروی رزمنده آن را تضعیف می‌کند.

مائو تسه تونگ: درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

۲) روحیه گروه‌پرستی. بعضی از رفقا فقط به منافع گروه کوچک خود توجه می‌کنند و مصالح عمومی را نادیده می‌گیرند. گرچه این عمل ظاهراً به خاطر منافع شخص معینی انجام نمی‌گیرد، ولی در واقع تنگ‌نظرانه‌ترین اندیویدوالیسم در آن نهفته است که دارای تأثیر مسموم‌کننده و گریز از مرکز می‌باشد. روحیه گروه‌پرستی مدتی طولانی در ارتش سرخ متداول بود و گرچه اکنون در نتیجه انتقادات وارده وضع قدری بهبود یافته است، ولی بقایای روحیه گروه‌پرستی هنوز وجود دارد و برطرف کردن آن مستلزم صرف مساعی باز هم بیشتری است.

۳) مزدورمنشی. بعضی‌ها در نمی‌یابند که حزب و ارتش سرخ ابزار اجرای وظایف انقلابند و هر یک از آنان خود جزئی از این مجموع می‌باشند. آنها درک نمی‌کنند که خود موجبین انقلابند و در نتیجه فقط در مقابل رؤسا احساس مسئولیت می‌نمایند و گمان می‌کنند که در برابر انقلاب آنها را مسئولیتی نیست. یک چنین روحیه پاسیو مزدورمنشانه نسبت به انقلاب نیز از مظاهر اندیویدوالیسم است. درست به همین علت است که ما هنوز دارای فعالین زیادی نیستیم که بدون قید و شرط خود را در خدمت انقلاب بگذارند. اگر ما روحیه مزدورمنشی را برطرف نسازیم، صفوف فعالین ما توسعه نخواهد یافت و بار وظایف دشوار انقلاب کمافی‌السابق بر گرده عده قلیلی سنگینی خواهد کرد. و این امر مسلماً در مبارزه ما تأثیر بسیار نامطلوبی خواهد گذاشت.

۴) راحت طلبی. در ارتش سرخ نیز افرادی که اندیویدوالیسم در آنها به صورت راحت طلبی تظاهر می‌کند، کم نیستند. آنها همیشه میل دارند که واحدهایشان به شهرهای بزرگ اعزام گردند. کشش آنها به سوی شهرها به خاطر کار نیست، بلکه برای تن‌آسائی است. کار در مناطق سرخ که در آنجا شرایط زندگی دشوار است، به هیچ وجه مورد پسندشان نیست.

۵) پاسیویته و طفره رفتن از کار. بعضی از رفقا هر گاه که کاری مطابق میلشان انجام نگیرد، دچار پاسیویته می‌شوند و از کار کناره می‌گیرند. علت این امر به طور عمده نقصان کار تربیتی است، ولی گاهی نیز به علت برخورد نادرست رهبری در تقسیم کار و یا در اتخاذ تدابیر انضباطی است.

۶) تمایل به خروج از ارتش. هر روز بر تعداد کسانی که تقاضای انتقال از ارتش سرخ به کار محلی را دارند، افزوده می‌شود. این امر تنها ناشی از علل شخصی نیست بلکه علل دیگری نیز دارد:

الف: شرایط مادی زندگی در ارتش سرخ بسیار دشوار است؛

ب: افراد از مبارزه طولانی خسته شده اند؛

ج: رهبری نسبت به حل مسائل، تقسیم کار و یا اتخاذ تدابیر انضباطی درست برخورد نمی‌کند.

طریق اصلاح:

قبل از هر چیز باید کار تربیتی را تقویت کرد تا از نظر ایدئولوژیک بتوان بر اندیویدوالیسم فایق آمد. سپس باید نسبت به حل مسائل، تقسیم کار و اتخاذ تدابیر انضباطی به طور صحیح برخورد نمود. ضمناً باید برای بهبود شرایط مادی زندگی در ارتش سرخ تدابیری اتخاذ شود و از هر امکانی جهت استراحت و تقویت قوای نظامیان استفاده کرد تا بدین ترتیب شرایط مادی آنان بهبود یابد. ما باید در ضمن کار آموزشی توضیح دهیم که اندیویدوالیسم از نظر ریشه اجتماعی انعکاسی است از ایدئولوژی خرده‌بورژوازی و بورژوازی در حزب.

درباره روحیه یاگیری

مائو تسه تونگ: درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

به علت وجود عده کثیری عناصر ولگرد در صفوف ارتش سرخ و وجود توده عظیمی از عناصر آن در سراسر کشور و به خصوص در استانهای جنوبی، روحیات سیاسی‌ای که مختص یاغیان است، در ارتش سرخ پیدا شده است. تظاهر این روحیات به اشکال زیرین است:

- (۱) بعضی‌ها نمی‌خواهند از طریق کار پُرزحمت و دشوار در ایجاد پایگاهها و استقرار حکومت توده‌ای نفوذ سیاسی ما را زیاد کنند بلکه می‌خواهند آن را فقط از طریق عملیات متحرک پارتیزانی انجام دهند.
- (۲) بعضی‌ها در توسعه ارتش سرخ به جای اینکه نیروهای منظم ارتش سرخ را از طریق توسعه دسته‌جات محلی گارد سرخ و واحدهای محلی ارتش سرخ رشد دهند، مشی "خریدن اسب و اجیر کردن سوارکار" و "سربازگیری از فراریان و پذیرفتن آشوبگران" را تعقیب می‌کنند.
- (۳) بعضی‌ها صبر و حوصله ندارند که مشترکاً با توده‌ها در مبارزه سخت شرکت کنند، بلکه فقط می‌خواهند هر چه زودتر به شهرهای بزرگ برسند تا بتوانند به میخوارگی و تن‌پروری بپردازند. این مظاهر روحیه یاغیگری در راه انجام وظایف صحیح ارتش سرخ موانع بزرگی ایجاد می‌کنند و از اینرو برطرف ساختن چنین روحیه‌ای از زمره هدفهای عمده مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمانهای حزبی ارتش سرخ به شمار می‌رود. باید دانست که در شرایط کنونی راه و رسمهای یاغیگری از نوع "حوان چائو" (۴) و "لی چوان" (۵) به هیچ وجه جایز نیست.

طرق اصلاح

- (۱) ریشه کن کردن روحیه یاغیگری از طریق تقویت کار تربیتی و انتقاد از نظرات نادرست.
- (۲) تقویت کار تربیتی بین صفوف اصلی ارتش سرخ و اسیرانی که تازه به عنوان سرباز در ارتش سرخ قبول شده‌اند به خاطر غلبه بر روحیاتی که مختص ولگردان و اوباشان است.
- (۳) جلب فعالینی از میان کارگران و دهقانان که در مبارزه کارآموده شده‌اند به صفوف ارتش سرخ و بدین ترتیب تغییر دادن ترکیب طبقاتی ارتش سرخ.
- (۴) ایجاد واحدهای جدید ارتش سرخ از توده‌های کارگران و دهقانان مبارز.

درباره بقایای پوچیسیم

مبارزه با پوچیسیم در سازمانهای حزبی ارتش سرخ انجام گرفته است ولی این هنوز کافی نیست. از این رو در ارتش سرخ هنوز بقایای پوچیسیم وجود دارد که به اشکال زیرین بروز می‌کند:

- (۱) اقدامات کورکورانه بدون در نظر گرفتن شرایط ذهنی و عینی؛
- (۲) اجرای ناکامل و غیرقطعی سیاست حزب ما درباره شهرها؛
- (۳) ضعف انضباط نظامی، به خصوص پس از شکست‌های نظامی؛

مائو تسه تونگ: درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

(۴) آتش زدن خانه‌ها توسط بعضی از واحدها؛

(۵) تیرباران سربازان فراری خودی و تنبیهات بدنی که خود نشانه‌ای از پوچسیسم است.

منشاء اجتماعی پوچسیسم عبارت است از پیوند ایدئولوژی لومپن پرولتاریا با ایدئولوژی خرده‌بورژوازی.

طرق اصلاح

(۱) از بین بردن پوچسیسم از نظر ایدئولوژیک

(۲) اصلاح عملیات پوچسیستی به وسیله مقررات و رهنمودهای سیاسی.

یادداشت‌ها:

(۱) اثر حاضر قطعه‌نامه ایست که از طرف رفیق مائو تسه دون برای نهمین کنگره سازمان حزبی سپاه چهارم ارتش سرخ تهیه و تدوین گردیده است. ساختمان ارتش توده ای چین راه سخت و دشواری را پیموده است. ارتش سرخ چین (که در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی به ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید تغییر نام کرد و اکنون ارتش آزادیبخش توده ای چین نامیده می شود) یکم اوت ۱۹۳۷ در نتیجه قیام نان چان بوجود آمد و تا دسامبر ۱۹۳۹ بیش از دو سال از عمرش می گذشت. در این مدت سازمانهای حزبی ارتش سرخ در جریان مبارزه با نظرات نادرست گوناگون بسیار کارآزموده شده و تجارب فراوانی اندوخته بودند. این قطعه‌نامه ای که از طرف رفیق مائو تسه دون تدوین گردید، تمام این تجارب را جمع‌بندی نمود. این قطعه‌نامه برای ساختمان ارتش سرخ بنیادی کاملاً مارکسیستی-لنینیستی ایجاد کرد و آنرا از هر گونه تاثیر و نفوذ ارتشهای طراز کهن منزه ساخت. قطعه‌نامه مزبور نه فقط در سپاه چهارم بلکه بتدریج در کلیه واحدهای ارتش سرخ نیز بموقع اجرا گذارده شد و بدین ترتیب تمام ارتش سرخ چین بیک ارتش توده ای واقعی کامل تبدیل گردید. اکنون که بیش از بیست سال از آزمون می گذرد، ارتش توده ای چین در کارهای حزبی و سیاسی خود پیشرفتهای عظیمی نموده و چیزهای نو بسیاری خلق کرده است. بطوریکه اکنون در این زمینه منظره کاملاً دیگری به چشم می خورد، ولی مشی اصلی این ارتش همان مشی است که در آن قطعه‌نامه تصریح شده است.

(۲) پس از شکست انقلاب در سال ۱۹۲۷، در حزب کمونیست چین مدتی گرایش "چپ" پوچسیستی بروز می کرد. طرفداران پوچسیسم که انقلاب چین را "انقلاب پی در پی" و وضع انقلابی چین را در حال "اعتلای بلانقاع" می دانستند، از اقدام به عقب نشینی منظم سر باز زده و تلاش می کردند تا با شیوه‌های کماندستی و با اتکاء به عده قلیلی از اعضای حزب و عده ناچیزی از مردم در سراسر کشور اشتباهاً دست به قیامهای محلی زنند که به هیچ وجه امید پیروزی نداشت. در اواخر سال ۱۹۲۷ این عملیات پوچسیستی به طور وسیع شیوع یافته بود ولی در اوایل ۱۹۲۸ به تدریج از شدت آن کاسته شد. معزها بعضی از اعضای حزب کمافی‌السابق دارای چنین روحیه‌ای بودند. پوچسیسم درست مترادف ماجراجوئی است.

(۳) ستون ارتش سرخ در آن زمان تقریباً مساوی بود با یک هنگ پیاده نظام - مترجم .

مائو تسه تونگ: درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب

۴) حوان چائو اهل شهرستان یوانجیو از ناحیه تسائو جو (امروز شهرستان حهزه از استان پین یوان) رهبر قیام دهقانی اواخر دوران سلسله تان بود. حوان چائو در سال ۸۷۵، سال دوم چیان فوسی زون سلسله تان به منظور همسوئی با قیام وان سیان مردم را به دور خود جمع کرد و پس از آنکه وان سیان جی کشته شد، حوان چائو بقایای دسته‌جات او را به نیروهای خود ملحق نمود و خود را "سردار کبیری که به آسمان حمله می‌برد" خواند. حوان چائو با نیروهای شورشی خود دو بار به آن سوی شان دون لشکرکشی کرد و برای نخستین بار از استان شان دون حویه به حه نان رفت و از آنجا به استانهای ان هوی لشکر کشید و سپس به شان دون بازگشت. حوان چائو برای دومین بار استان شان دون خارج شد و از حه نان به جیان سی رفت، سپس از خاور استان جیه جیان وارد استانهای فوجیان و حوان شد و از آنجا از راه گودان به استان حویه رفت و مجدداً به خاور یعنی به استانهای ان هوی و جیه جیان بازگشت، پس از آن از رودخانه حوای گذشت، وارد استان حه نان شد، شهر لوه یان را به تصرف درآورد و با زد و خورد گردنه تون گوان را متصرف گشت و بالاخره شهر چان ان را اشغال کرد. پس از تصرف چن ان، حوان چائو تأسیس امپراطوری چی را اعلام نمود و خود را امپراطور نامید. حوان چائو سپس در نتیجه تفرقه و نفاق داخلی (یکی از سرداران او به نام جووین به امپراطور سلسله تان تسلیم شد) و حمله نیروی تد مسلح لی که یون، رئیس عشایر شا تو، چان ان را از دست داد و به استان حه نان عقب نشست و از آنجا به شان دون مراجعت کرد و سرانجام شکست خورد و انتحار کرد. جنگ حوان چائو که ده سال به طول انجامید، یکی از معروفترین جنگهای دهقانی تاریخ چین به شمار می‌رود که تاریخ نویسان وابسته به طبقات حاکمه قدیم آنرا چنین توصیف می‌کنند:

"مردم که از مالیات سنگین به ستوه آمده بودند، سعی می‌کردند به ارتش وی ملحق گردند." ولی از آنجا که او فقط به جنگهای متحرک می‌پرداخت و پایگاههای نسبتاً محکمی برای خود ایجاد نکرده بود، قوای مسلحش را "دسته‌جات یاغیان" می‌نامیدند.

۵) لی چوان (لی زی چن) متولد شهرستان میچی از استان شنسی، رهبر قیام دهقانی است که در اواخر سلطنت سلسله مین بر پا شد. در سال ۱۶۲۸، سال اول چون جن سی زون سلسله مین در شمال استان شنسی، امواج قیامهای دهقانی به حرکت درآمدند. لی زی چن به دسته قیام کنندگان تحت رهبری گائو بین سیان ملحق شد. گائو بین سیان از استان شنسی، حه نان و سپس به ان هوی لشکرکشی کرد و از آنجا مجدداً به شنسی بازگشت. گائو بین سیان در سال ۱۶۳۶ وفات کرد ولی زی چن به نام چوان شاه پیشوای قیام گردید. شعار عمده لی زی چن در میان توده‌های مردم چنین بود: "طرفدار چوان شاه باش تا از مالیات غله معاف گردی." لی زی چن انضباط سختی در ارتش خود برقرار کرده بود. او اعلام نمود: "آدم‌کشی به معنای کشتن پدرم و اعمال منافی عفت نسبت به زنان به معنای هتک ناموس مادرم است." از اینرو لی زی چن طرفداران بسیار زیادی پیدا کرد و دسته‌جات وی قوای عمده جنبش دهقانی آن دوران گردید. ولی او پایگاههای نسبتاً استواری برای خود ایجاد نمی‌کرد بلکه پیوسته از نقطه‌ای به نقطه دیگر در حرکت بود. پس از اینکه لی زی چن چوان شاه شد، به استان سی چوان لشکر کشید و از آنجا به جنوب استان شنسی عزیمت کرد و سپس از استان حویه گذشته، به طرف حه نان حرکت کرد و به زودی شهر سیان یان واقع در استان حویه را تصرف کرد و سپس از طریق حه نان مجدداً به شنسی بازگشته، شهر سی ان را متصرف شد و در سال ۱۶۴۴ از ستان شان سی عبور کرد و پکن را تصرف نمود. ولی به زودی به وسیله حملات متحد اوسان گوی سردار نظامی سلسله مین و ارتش تسین که با وی ساخت و پاخت کرده بود، مغلوب گردید.